

متن املا :

خدا مهربان و بی‌کینه است و نامش نور و نشانش روشنی است. او از رگِ گردن به ما نزدیک‌تر است. می‌توان با او دوست شد و با او گفت و گو کرد.

به مورچه و کوچکی جثّه او بنگر. او دانه‌ها را به لانه خود می‌برد و در جایگاه ویژه نگه می‌دارد و در فصل گرما برای خوراک زمستان می‌کوشد.

سنجاقک گفت: اگر مرداب راه می‌افتاد و بر زمین جاری می‌شد، دیگر مرداب نبود، جویبار بود یا رودخانه قشنگی بود که طراوت و سرسبزی را به دشت بی‌حاصل به ارمغان می‌آورد.

تو از تبار ایرانیانِ نژاده و آزاده هستی که جانشان از مهر ایران تابناک است و برای بهروزی و آبادی آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند؛ تویی که بر فرّ و فروغ ایران خواهی افزود و چشمِ جهانیان را به خیرگی خواهی کشاند.

زندگی یک سفر است. این سفر برای عده‌ای کوتاه و برای برخی طولانی و پُر فراز و نشیب است. تصوّر همه از آینده یک زندگانی آرمانی و سرشار از عاطفه و انسانیت است. ما می‌توانیم با توکل بر خدا و تلاشِ بیشتر، زندگی خود را لبریز از شادابی و شکوفایی کنیم.

بشر به کمک عقل و استعداد خود به دنبالِ ابزاری است که رنجِ زندگی را کم کند و بر آسایش آن بیفزاید. رهاوردهای دانش بشری زمانی مفیدند که انسان را در مسیر کمال و رسیدن به اخلاقِ متعالی کمک کنند.

باران بند آمده بود، امّا هنوز از ساقه علف‌ها آب می‌چکید و دشت پُر از گودال‌های آب شده بود. عکسِ آسمان بر سطحِ لرزانِ گودال‌های آب تماشایی بود. انگار صد آیینۀ شکسته را کنار هم چیده بودند. ابرها در مقابل آن آیینه‌ها خودشان را برای سال نو آماده می‌کردند.

«نباشد جهان بر کسی پایدار همه نام نیکی بود یادگار» (شاهنامه)